

## یه کنده با سه تا میخ

یه دفتر پُر تکرار	یه کاغذ، یه خودکار
شیم تا صبح بیدار	از این خط خطی محض
یه کنده با سه تا میخ	یه تصویر، یه تاریخ
صدای ناله جار بست	یه قاب عکس که در آن
یه تک فرزند محبوب	یه والد، یه مولود
به ناحق گشته مصلوب	یه عاشق که عشقتش
یه عالم درد و عصیان	یه دنیا، یه زندان
شفا بخشیده انسان	یه برّه که به خونش
به او آوردم ایمان	یه لحظه، به یک آن
حیات بخشید به این جان	رهایم کرد از این درد
نه دفترهای بسیار	نه کاغذ، نه خودکار
کند بیگانه را یار	توان آن ندارد
اگر خواهی شوی یار	شکست می خواهد اول
نه از اعمال بسیار	به ایمان کسب گردد

شعر: ایوان آهنگ: ژوزف هوسپیان